

## Al-Murābaṭa in the *Qur'ān*: A Comparative Study Based on *Tafsīr al-Mīzān* and *al-Tahrīr wa al-Tanwīr*

‘Abdorrasūl Shabāni 

PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Najafabad Branch,  
Islamic Azad University, Najafabad, Iran  
(Email: erfanz3300@yahoo.com).



Ahmad Reza Basij 

Assistant Professor of Islamic Theology, Shahrekord Branch,  
Farhangian University, Shahrekord, Iran (corresponding author: basij\_581@gmail.com).

Mohammad Hoseyn Qasem Peyvandi 

Assistant Professor of Islamic Theology, Department of Law, Aliguderez Branch,  
Islamic Azad University, Aliguderez, Iran (Email: ghasempeyvandi@yahoo.com).

### Abstract

Al-Murābaṭa is one of the important social topics in the *Qur'ān* that plays an effective role in shaping the connections between individuals towards Islamic goals and ideals in a religious society. This study critically examines this important issue using a comparative and descriptive-analytical method from the perspective of two contemporary commentators: Tabataba'i in *Al-Mizan* and Ibn 'Āshūr in *al-Tahrīr wa al-Tanwīr*. According to Ibn 'Āshūr, Murabatah means maintaining military readiness at the borders of the Islamic country, while based on Tabataba'i's social reading, Murabatah means the connection of all individuals in all aspects of social life. The fundamental question is, considering the co-occurrence of words and the meanings of the verb form in verse 200 of Surah Āl-Imrān, what is the precise explanation of the concept of Murabatah? Through comparative analysis, the mention of the interpretive narration of waiting for prayer after prayer has been identified as a common point between both commentators. On the other hand, as a point of divergence, Tabataba'i's social analysis of Islamic Murabatah as the connection of all individuals in social actions stands against Ibn 'Āshūr's view of maintaining the borders of the Islamic country. The result is that, considering the generality of "Rābiṭu" in the verse and the meanings of the verb form, none of the mentioned views go beyond specifying instances, and "Rābiṭu" indicates the continuous participation of individuals in society along with firm and strong perseverance in the path of achieving the truth.

**Keywords:** Al-Murābaṭa, Sūra Āl-Imrān, Q 3: 200, Ṭabāṭabāyī, *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Ibn 'Āshūr, *Al-Tahrīr wa al-Tanwīr*.

### Promotional article


Received: 13/ 3/ 2024, accepted: 24/ 6/ 2024, and published: 24/ 6/ 2024, Pages: 233-250.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 doi: 10.22034/naghdeara.2024.448328.1175

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



## مرباطه در قرآن:

## بازخوانی تطبیقی مفهوم با تکیه بر المیزان و التحریر والتنویر

عبدالرسول شبانی<sup>ID</sup>

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد نجف آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (ایمیل: erfanz3300@yahoo.com).

احمدرضا بسیج<sup>ID</sup>

استادیار گروه معارف اسلامی، واحد شهرکرد، دانشگاه فرهنگیان،

شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول: basij\_581@gmail.com).

محمدحسین قاسم پیوندی<sup>ID</sup>

استادیار گروه حقوق، واحد الیگودرز،

دانشگاه آزاد اسلامی، الیگودرز، ایران (ایمیل: ghasempeyvandi@yahoo.com).

## چکیده

مرباطه از جمله مباحث مهم اجتماعی قرآن است که نقشی مؤثر در شکل‌گیری ارتباط افراد در راه اهداف و آرمان‌های اسلامی در جامعه دینی دارد. پژوهش حاضر، این مسئله مهم را به روش تطبیقی و شیوه توصیفی-تحلیلی از منظر دو مفسر معاصر؛ طباطبایی در المیزان و ابن‌عاشور در التحریر والتنویر موردنقد قرار داده است. به نظر ابن‌عاشور **مرباطه** به معنای حفظ آمادگی نظامی در مرزهای کشور اسلامی است؛ درحالی‌که بر اساس خوانش اجتماعی طباطبایی، مرباطه به معنای ارتباط تمامی افراد در جمیع شئون زندگی اجتماعی است. سؤال اساسی آن است که با عنایت به روابط هم‌نشینی واژگان و هم‌چنین بررسی معانی باب مفاعله در آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران، تبیین دقیق مفهوم مرباطه چیست؟ با بررسی تطبیقی، ذکر روایت تفسیری انتظار نماز پس از نماز، به‌عنوان نقطه اشتراک نظر هر دو مفسر به‌دست‌آمده است. از طرفی به‌عنوان نقطه افتراق، تحلیل اجتماعی طباطبایی درباره مرباطه اسلامی به معنای ارتباط تمامی افراد در کنش‌های اجتماعی، در برابر نظر ابن‌عاشور، یعنی حفظ مرزهای کشور اسلامی قرار دارد. نتیجه آن‌که با عنایت به اطلاق رابطوا در آیه و نظر به معانی باب مفاعله، هیچ‌یک از دیدگاه‌های مذکور از حد تعیین مصداق فراتر نبوده و رابطوا حکایت از مشارکت مداوم افراد جامعه همراه با ایستادگی محکم و قوی در راه رسیدن به حق دارد.

**کلیدواژه‌ها:** مرباطه، آل‌عمران/ ۲۰۰، طباطبایی، المیزان، ابن‌عاشور، التحریر والتنویر.

### مقاله ترویجی

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ش، پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳ش، نشر: ۱۴۰۳/۵/۳ش، صفحه ۲۳۳ تا ۲۵۰.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghddeara.quran.ac.ir>>

doi: 10.22034/naghddeara.2024.448328.1175

## درآمد

یکی از نقاط قوت برخی تفاسیر معاصر را می‌توان توجه به مباحث اجتماعی آیات قرآن دانست. از سوی دیگر ایجاد هم‌بستگی و انسجام امت اسلامی را باید از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی آیات قرآن برشمرد. این ویژگی مهم یعنی انسجام و هم‌بستگی اجتماعی را گاهی فارغ از دیدگاه‌های اسلامی، به‌عنوان کارکردی اساسی از دین برشمرده‌اند (برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: شاکریان، چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟، ۳۸).

بر این اساس، حفظ وحدت و انسجام اجتماعی در راه رسیدن به اهداف و آرمان‌های اسلامی، اصلی بر پایه حکم عقل و با محوریت دستورات دینی است که ضامن حفظ و بقای فرد و اجتماع است. در قرآن آیاتی است که انسجام و هم‌بستگی اجتماعی را به‌طور جدی مطالبه می‌کند (بنگرید به: طه/ ۹۴؛ آل عمران/ ۱۰۳ - ۱۰۵؛ روم/ ۳۲). از جمله آیات مهم قرآن که باد دید آیا نقشی در مرابطه و هم‌بستگی اجتماعی امت اسلامی دارد یا خیر، آیه ۲۰۰ سوره آل عمران است که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۲۰۰)

ترجمه: ای اهل ایمان (در برابر مشکلات و سختی‌ها) اهل صبر باشید و یکدیگر را به صبر سفارش نمایید و مرابطه داشته باشید و تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که رستگار شوید»

باید گفت که بررسی بیشتر دربارۀ این آیه و نظرات مفسران یادشده مورد نیاز است تا ابعاد مختلف آن به‌خصوص بعد اجتماعی آیه بیش‌تر روشن گردد و با در نظر گرفتن تفاسیر مختلفی که دربارۀ آن بیان شده است، کاوش بیشتر در این مورد می‌تواند زوایای مختلفی از آن را در راستای شناخت بُعد اجتماعی آیات قرآن آشکار سازد.

## طرح مسئله

دربارۀ مرابطه و معنای آن بحث‌های گسترده‌ای بین مفسران صورت نگرفته است و اکثر آن‌ها به بیان مصادیقی همچون مرزداری اسلامی و ارتباط اجتماعی افراد بسنده کرده‌اند؛ اما همچنان این سؤال باقی است که تبیین مرابطه اسلامی چیست؟ به همین دلیل است که لزوم بررسی بیشتر در این زمینه احساس می‌شود. در میان مفسران معاصر، نظرات طباطبایی در

المیزان فی تفسیر القرآن و محمدطاهر ابن عاشور در *التحریر و التنبیر* که در زمان تحولات اجتماعی مشرق و مغرب اسلامی واقع شدند را می‌توان در ابعاد مختلف به‌خصوص بُعد اجتماعی موردبررسی قرارداد؛ بر این اساس واکاوی تطبیقی نظرات اندیشمندان مذکور در ارتباط با مرابطه می‌تواند به کشف معنایی مناسب کمک کند. بنابراین باید گفت، ضرورت و سؤال اصلی تحقیق آن است که نقاط اشتراک و افتراق تفاسیر یادشده کدام است و تفسیر صواب برای رابطو چیست؟ هم‌چنین این واژه به چه معنا است و موارد کاربرد آن در آیات قرآن چیست؟ و درنهایت این واژه در خوانش اجتماعی آیات قرآن چه جایگاه و تأثیری دارد؟

تابه‌حال از منظر طباطبایی و ابن‌عاشور در ارتباط با موضوع فوق تحقیقی صورت نگرفته است؛ ولی به‌صورت تطبیقی تک‌نگاری‌هایی ارائه‌شده است که به‌اجمال معرفی می‌گردد: مقاله «سرمایه اجتماعی در اسلام» از علی افسری که در این مقاله تیز نویسنده به وجوه کاربرد مرابطه در انسجام و پیوند اجتماعی افراد می‌پردازد؛ مقاله «تحلیل تفسیری جایگاه و نقش مصابره و مرابطه در پیوند با امام عصر (ع) با محوریت آیه ۲۰۰ سورة آل‌عمران» از محمدجواد فلاح که نویسنده با عنایت به روایات شیعه به تبیین و تشریح معنای مرابطه در ارتباط با پیوند با امام پرداخته است؛ مقاله «عوامل هم‌افزایی و دستاوردهای آن در همکاری اجتماعی از منظر قرآن کریم با تاکید بر نگاه علامه طباطبایی» از محمد علی محمدی که در آن نویسنده به وجوه مختلف اجتماعی و ارتباط افراد در جامعه دینی از منظر طباطبایی پرداخته است؛ مقاله «مرباطه در جامعه دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی» از محمد فاکر میدی که در آن نویسنده مرابطه را از دیدگاه اندیشمندان مذکور موردبررسی قراردادده است و نتیجه می‌گیرد که جوادی آملی نیز با دیدگاه طباطبایی در تفسیر مرابطه موافق است. در این تحقیق دیدگاه دو عالم و مفسر شیعی که با همدیگر در توضیح و تفسیر مرابطه اتفاق نظر دارند، بررسی شده است.

باید گفت جنبه نوآوری مقاله حاضر آن است که واژه *رابطو* را از منظر دو عالم شیعه و اهل سنت که از طرح مباحث اجتماعی در تفاسیر خویش بهره برده‌اند، موردبررسی و تحلیل قراردادده و فارغ از گرایش مذهبی به‌نقد و بررسی هر یک مبادرت ورزیده و ضمن به چالش کشیدن تفاسیر ایشان، نظری در تفسیر رابطو ارائه نموده است.

## ۱. اصطلاح‌شناسی

از آنجاکه بررسی معنایی دو واژه **اصبروا** و **صابروا** به‌عنوان واژه‌های هم‌نشین، نقشی اساسی در فهم و تحلیل واژه «رابطوا» دارد، ابتدا مفهوم این واژگان بررسی می‌شود.

### ۱-۱) اصبروا و صابروا

راغب اصفهانی (درگذشته ۵۰۲ق) در المفردات فی غریب القرآن، فعل امر **اصبروا** را از صبر به معنای خویشتن‌داری در سختی و تنگی گرفته است. آنگاه آن را به معنای شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه را که عقل و شرع حکم کند و بطلبد و یا آنچه شرع خودداری نفس از آن را اقتضا می‌کند، تلقی کرده است (راغب اصفهانی، *المفردات*، ۲/ ۳۷۱). آنگاه در ادامه انواع صبر را این‌چنین برمی‌شمارد: ۱) صبر و شکیبایی در برابر مصیبت که ضد آن جزع و بی‌تابی است ۲) صبر در جنگ و محاربه که شجاعت نامیده می‌شود و ضد آن ترس و جبن است ۳) صبر در کار ملال‌آور که ضد آن کم‌ظرفیتی و دل‌تنگی است ۴) صبر و خودداری از کلام و سخن که ضدش فاش‌کردن سخن است (همان‌جا). برخی صبر را به معنای حبس و امساک گرفته‌اند (قرشی، *قاموس قرآن*، ۴/ ۱۰۵).

ابن‌عاشور در بیان تفسیر واژگان آیه، **اصبروا** را از **صبر** و آن را به‌عنوان جمع فضائل و خصال کمال دانسته و **صابروا** را به معنای استقامت در اجتماع و صبر در کنار دیگر صابران و البته سخت‌تر از صبر فردی می‌داند. به نظر می‌رسد که وی بر اساس باب مفاعله و معنای غالب آن‌که دلالت بر مشارکت دارد، **صابروا** را به معنای صبر اجتماعی و ادغام نیروی صبر افراد در جامعه در نظر گرفته است. **صابروا** یعنی صبر اجتماعی که همه مردم باید در کنار یکدیگر اهل صبر و استقامت باشند، سخت‌تر از صبری است که تک‌تک افراد اجتماع باید در وجود خویش ایجاد کنند و اگر صابر در صبر خویش اهل استقامت و مقاومت نباشد نتیجه‌ای از صبر او حاصل نخواهد شد، زیرا نتیجه صبر در صورت عدم تداوم آن معنا ندارد و بر این اساس خداوند سوره آل‌عمران را با وصایای جامعی به پایان رسانده که این توصیه‌ها عزم و اراده مسلمین و همت آنان را برای آمادگی و استعداد مقابله با دشمن و عدم ایجاد دل‌سردی از شکست در برابر کفار برمی‌انگیزد (ابن‌عاشور، *التحریر و التنبویر*، ۴/ ۲۰۸). وی به شعری از زفر ابن‌الحارث در این زمینه اشاره می‌کند که این‌چنین سروده است:

سقیناهم كأساً سقونا بمثلها

ولکنکم کانوا علی الموت اصبراً.

ترجمه: ما آن‌ها را از جامی نوشاندیم که به مانند آن نیز به ما نوشاندند؛ ولی آن‌ها به مرگ (نسبت به ما) صبورتر هستند.

وی نتایج صبر اجتماعی افراد در کنار یکدیگر را پرثمرتر از صبر فردی و آن را نتیجه و ماحصل صبری که تک تک افراد در وجود خویش همچون درختی پرورش می دهند می داند (همان جا). طباطبایی **اصبروا** را به خاطر آن که در آیه شریفه به صورت مطلق آمده شامل انواع مختلف آن، از جمله صبر بر شداید و سختی‌ها، صبر بر اطاعت خدا و صبر بر ترک معصیت می داند. هم چنین **صابروا** را از صیغه **مفاعله** و به معنای صبر افراد مختلف اجتماع در کنار و به همراه یکدیگر قلمداد می کند؛ بنابراین **مصابره** به حالتی که جمعیتی از افراد اجتماع به اتفاق یکدیگر در مقابل آزارها، اذیت‌ها و مشکلات احتمالی، صبر و تحمل نمایند اطلاق می شود. در این صورت برکات صبر افراد اجتماع به یکدیگر وصل شده و همه نیروها یکی می گردد (طباطبایی، *المیزان*، ۴/۱۴۳).

تفسیر و تبیین طباطبایی و ابن عاشور در ارتباط با واژه‌های **اصبروا** و **صابروا** و تلقی ایشان از صبر فردی و اجتماعی افراد یکسان است و می توان تفسیر ایشان را از این دو واژه به عنوان نقطه اشتراک در دیدگاه این دو اندیشمند اسلامی درباره واژه‌های یادشده دانست.

## ۲-۱) رباطوا

راغب ریشه رباطوا را از ربط و آن را به معنای بستن و محکم کردن می داند. وی هم چنین «رَبَطَ الْفَرَسَ» را به معنای بستن اسب درجایی و نگهداری از آن، و «رَبَّاطُ الْجَيْشِ» را به معنای استراحتگاه سربازان، و «رِبَاط» را مکان مخصوص اقامت نگهبانان دانسته است (راغب اصفهانی، *المفردات*، ۲/۳۵). هم چنین وی واژه «مرابطه» را به دو معنا می داند: یکی به معنای مراقبت و مشارکت برای مرزداری در سرحدات بلاد مسلمین، همچون نگهبانانی که در سرحدات مرزی ساکن شوند و از آن حفاظت نمایند؛ و دیگری، به معنای «فُلَانٌ رِبَّاطُ الْجَاشِ» که این عبارت درجایی به کار می رود که قلب انسان قوی و نیرومند باشد (همان، ۳۶).

برخی دیگر **ربط** را دلالت کننده بر استحکام و ثبات می دانند (ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ۲/۴۷۷). خلیل بن احمد برای رباط دو معنا می داند: ملازمت بر راه‌های نفوذ دشمن و

هم‌چنین مداومت بر چیزی (خلیل بن احمد، العین، ۷/ ۴۲۳) فیومی نیز معنای ملازمت بر مرزهای دشمن را در نظر گرفته است (فیومی، المصباح المنیر، ۲۱۵).

لازم به ذکر است که به‌عنوان بسامد کاربرد واژگان مذکور در آیات قرآن باید گفت که گرچه واژه اِصْبِرُوا غیر از آیه ۲۰۰ سورة آل عمران در ۵ آیه دیگر (بنگرید به: اعراف/ ۸۷؛ اعراف/ ۱۲۸؛ انفال/ ۴۶؛ ص/ ۶؛ طور/ ۱۶) نیز تکرار شده است؛ ولی واژه صَابِرُوا تنها در همین آیه با اِصْبِرُوا هم‌نشین شده است و هیچ‌گاه تکرار دیگری از آن در آیات دیگر مشاهده نمی‌شود و از طرفی تنها در همین آیه است که واژگان مذکور با رَابِطُوا در یک جا جمع شده است. از سوی دیگر با تحلیل و بررسی در آیات به نظر می‌رسد هیچ بسامد معنایی برای صَابِرُوا در قرآن یافت نمی‌شود و کاربرد معنایی این واژگان در موارد ذکرشده فوق منحصر می‌گردد.

به جهت آن‌که رَابِطُوا از باب مفاعله بوده و این باب می‌تواند معانی مختلفی را متحمل شود، لازم است ابتدا معانی این باب بررسی شود تا پس از آن با تبیین نظر طباطبایی و ابن‌عاشور دیدگاه نزدیک به صواب مشخص گردد. گرچه معنای قریب و غالب باب مفاعله مشارکت است؛ اما معانی دیگری برای آن توسط لغویون بیان شده است. برخی معانی این باب را بر چهار قسم می‌دانند که شامل: مشارکت (مثل ضارب زید بکراً: زید با بکر زدو خورد کرد و یا شاعرت زیداً: با زید مشاعره کردم)، تعدیه (مثل بَعَدَ: دور شد که به‌صورت متعدی باعَدَ: او را دور کردم معنا می‌شود)، تکثیر (مثل نَاعَمَهُ اللهُ: خدا زیاد به او نعمت داد) و معنای ثلاثی مجرد که بیشتر در مورد خداوند از همین باب استفاده می‌شود؛ مثل قَاتَلَهُمُ اللهُ که یعنی خدا ایشان را بکشد (طباطبایی، صرف ساده، ۱۷۱) هم‌چنین برخی دیگر غیر از مشارکت، معانی دیگر همچون کثرت و تداوم، مفید معنای ثلاثی مجرد، ضد معنای ثلاثی مجرد و مفید معنای باب افعال را مطرح کرده‌اند (خان‌جانی، «بررسی معانی...»، ۵۱) بنابراین غیر از معنای مشارکت در باب مفاعله معنای کثرت، تداوم و تعدیه نیز مطرح است.

## ۲. دیدگاه دو مفسر در مورد مفهوم رابطه

### ۲-۱ ابن‌عاشور

ابن‌عاشور رَابِطُوا را از باب مفاعله از ریشه «ربط» به معنای آمادگی و استعداد لشکر اسلام در سرحدات و مرزهای کشور اسلامی برای مقابله احتمالی با دشمنان دانسته است. به عقیده

وی رابطوا دستوری است برای بیداری همیشگی لشکر مؤمنان در زمان صلح که تجاوزی از سوی دشمن مرزها را تهدید نمی‌کند تا به‌صورت دائمی از کید و مکر مشرکان در امان باشند. همان‌طور که مسلمین در جنگ احد به خاطر همین آسودگی از مکر مشرکان ضربات جبران‌ناپذیری خورده و نتیجه آن به سود سپاه دشمن رقم خورد (ابن‌عاشور، *التحریر و التنبؤ*، ۲۰۹/۴).

بر اساس بیان ابن‌عاشور خداوند مسلمین را به خاطر همین ضرباتی که از سوی کفار و مشرکین بر آن‌ها وارد شد، امر به جهاد و بیدارباش در برابر دشمنان نموده است. هم‌چنین رابطه (مرزداری) در جاهلیت امری شایع بوده است و ازجمله کارهایی که در این ارتباط صورت می‌گرفت؛ آماده‌سازی اسبان برای حفظ و حراست از مرزها و روزنه‌های نفوذ دشمنان که از طریق آن‌ها می‌توانستند به شهرها حمله کنند، مثل راه‌ها و شکاف بین کوه‌ها بوده است (همان‌جا). او سپس به حدیثی دربارهٔ مرزداری و ارزش آن در راه خدا از کتاب *جهاد صحیح* بخاری، باب «فضل رباط یوم فی سبیل الله» از پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند که حضرت فرمود: «رِبَاطُ یَوْمٍ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ خَیْرٌ مِّنَ الدُّنْیَا وَ مَا عَلَیْهَا» (بخاری، *الصحیح*، ۱۰۵۹/۳).

در مورد سیر تاریخی مرزداری اسلامی باید گفت از قدیم مسلمانان در بیابان‌ها از مرزهای شهرهای فارس، شام و اندلس مراقبت و محافظت می‌کردند و آنگاه که عظمت و شوکت اسلامی در بلاد افزون گردید، در دریاها نیز نگهبانی و محافظت مرزی را شروع کردند و راه‌های دریایی همچون مستنیر در تونس و سلا در مغرب را حراست کردند؛ بنابراین خداوند به حفظ و حراست مرزی کشور اسلامی فرمان داده است؛ آن‌چنان‌که به جهاد با کفار و مشرکین فرمان داده است. وی عقیده دارد که این موضوع بر برخی مفسرین مخفی مانده و ایشان رباط را مربوط به جهاد و آماده‌سازی لشکر در برابر دشمنان قلمداد کرده‌اند و دلیل آن‌ها نیز این است که در زمان پیامبر، جنگی در نزدیکی مرزهای اسلامی وجود نداشته است. وی سپس به روایتی از پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند که حضرت فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ إِسْبَاحُ الْوُضُوءِ عِنْدَ الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخَطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكُمُ الرَّبَّاطُ، فَذَلِكُمُ الرَّبَّاطُ، فَذَلِكُمُ الرَّبَّاطُ» (مالک بن انس، *الموطأ*، ۱۴۶). در این روایت رابطه به‌عنوان انتظار نماز پس از فراغت از نماز تعبیر شده است (ابن‌عاشور، *التحریر و التنبؤ*، ۲۱۰/۴).

باید به این نکته اشاره کرد که ذکر این روایت، یعنی انتظار نماز پس از نماز را باید به‌عنوان نقطه اشتراک دیدگاه هر دو مفسر در نظر گرفت؛ چراکه طباطبایی نیز در بحث روایی المیزان به همین روایت، به نقل از تفسیر الدرالمنثور سیوطی اشاره کرده است (طباطبایی، المیزان، ۴/۲۰۴). از بررسی نظر ابن‌عاشور این نکته به دست می‌آید که وی بعد از بیان تفسیر صبر فردی و اجتماعی، در تفسیر **رابطوا** بستن مرزها و سرحدات کشور اسلامی را به‌عنوان مراد جدی واژه در نظر گرفته است؛ ولی دلیلی برای این تفسیر ارائه نکرده و مشخص نیست که از کدام یک از معانی باب مفاعله این معنا استنباط شده است. تفسیر مزداری اسلامی برای رابطوا را می‌توان علاوه بر سخن ابن‌عاشور در سخن برخی دیگر از مفسران نیز شاهد بود (برای نمونه از مفسران قدیم، بنگرید به: طبرسی، **مجمع البیان**، ۴/۳۹۹؛ زمخشری، **الکشاف**، ۱/۴۶۰؛ نیز، تنها برای چند نمونه از میان مفسران معاصر، بنگرید به: صابونی، **صفوة التفاسیر**، ۱/۲۳۰؛ دروزه، **التفسیر الحدیث**، ۷/۲۹۹؛ سید قطب، **فی ظلال القرآن**، ۱/۵۵۲).

ابن‌عاشور فعل **اصبروا** را به‌عنوان صبر فردی معنا کرده و هم‌چنین **صابروا** را از باب مفاعله به معنای صبر اجتماعی قلمداد کرده است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به معانی کثرت و تداوم در باب مفاعله و هم‌چنین تعدیه به تفسیر مذکور اشاره کرده است؛ بدین معنا که مزداری اسلامی با کثرت مزداران و تداوم حضور ایشان در مرزهای اسلامی و برای حفظ آن از آسیب نفوذ دشمنان تحقق می‌پذیرد.

## ۲-۲) طباطبایی

طباطبایی **رابطه** را اعم از **مصابره** می‌داند. به عقیده وی چون مصابره عبارت از وصل کردن نیروهای جامعه برای مقابله با شداید و سختی‌ها است؛ رابطه به معنای وسیع‌تر شامل تجمیع قوای اجتماع در همه شئون زندگی اعم از سختی و آسانی می‌شود (طباطبایی، المیزان، ۴/۱۴۴). به نظر می‌رسد طباطبایی با توجه به معنای مشارکت در مفاعله تفسیر فوق را برای رابطوا ارائه کرده؛ زیرا در تفسیر این آیه و دیگر آیات در المیزان به علت استنباط خویش اشاره‌ای نکرده است. اگر این مطلب در جای خویش صحیح باشد و استنباط طباطبایی بر معنای مشارکت منظور وی بوده باشد، باید گفت باب مفاعله درجایی است که طرفین در تحقق ماده فعل مشارکت دارند و یک‌طرف فاعل و طرف دیگر مفعول هست، در مصابره و رابطه امر به

مشارکت طرفین است. امر مصابره به صبر همگانی در جامعه اسلامی است؛ ولی آن چنان که این عاشور در معنای رابطه بیان داشته، یک طرف از ماده مشارکت فعل رابطه، دشمنی است که در برابر او باید مرزها را محکم بست. در این صورت یک طرف رابطه دشمن و طرف دیگر مؤمنان هستند. در این صورت به فعلی که دو طرف مشارکت در ماده فعل را دارد و یک طرف دشمن و طرف دیگر دوست است چگونه می توان امر نمود؟

علت تلقی طباطبایی در معنای رابطه و امر الهی در آیه را می توان در کلام جوادی آملی جستجو کرد که می گوید:

علامه طباطبایی مطلبی را از دو کلمه (صابروا و رابطوا) استنباط کرده اند که (صابروا و رابطوا) مستقیم متوجه مؤمنان است؛ به این معنا که صبرهایتان را باهم تبادل کنید؛ نه این که هر یک به تنهایی صبر کنید، همان گونه که آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران: ۱۰۳) فرمان می دهد که همه باهم مسلمان باشید؛ نه فقط همه مسلمان باشید، پس اگر مسلمانان هماهنگی جمعی نداشته باشند، هیچ یک به آیه مزبور عمل نکرده اند، زیرا فرمان (وَاعْتَصِمُوا) به معنای «مسلمان شوید» نیست، بلکه به معنای «باهم مسلمان باشید» است و باهم مسلمان بودن، غیر از مسلمانی هر فرد به تنهایی است. باهم مسلمان بودن یعنی در مسائل نظری تبادل فکری داشتن، در امور اجرایی و عملی همکاری کردن و در مسائل دفاعی و جنگ مصابره و رابطه داشتن. نتیجه آن که صابروا و رابطوا خطاب به مؤمنان است؛ بدین سان که باهم صبر و رباط داشته باشید، زیرا صبر هر انسانی محدود است. بعضی زود می رنجند و خسته می شوند، اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و رابطه جای حراست و نگهبانی انفرادی از مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنج و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد. با این بیان هم مقتضای هیئت باب مفاعله محفوظ می ماند و هم هر دو طرف آن حق است» (جوادی آملی، تسنیم، ۱۶/۷۷۴).

حال با بررسی روابط هم نشینی واژگان می توان گفت: خداوند در این آیه به سه مرحله از ارتباط فردی و اجتماعی اشاره دارد: (۱) صبر فردی برای تک تک افراد جامعه (۳) صبر اجتماعی به همراهی و همدلی افراد در مقابل شداید و سختی ها (۳) صبر اجتماعی در تمام شئون زندگی اجتماعی و ارتباط قلبی افراد برای رسیدن به سعادت حقیقی زندگی اجتماعی بشر. در بیان ارتباط چهار صیغه امر معهود در آیه به بیان جوادی آملی باید گفت: «سوره

آل عمران در بردارنده اصول و بسیاری از فروع دین است و فرمان خداوند سبحان به صبر، مصابره، رابطه و تقوا در این آیه، توصیه‌ای راجع به تحمل فراگیری همه معارف و مسائل این سوره است تا فلاح نهایی که ثمر اندیشه‌های صائب و انگیزه‌های صالح است حاصل شود» (همان، ۷۶۸).

بر همین اساس بنا بر دیدگاه طباطبایی معنای «واتقوا الله» و امر به تقوا پس از بیان وجوه مختلف صبر روشن می‌گردد؛ زیرا نتیجه موارد سه‌گانه مطروحه در آیه رسیدن اجتماع بشری به سعادت حقیقی است و در صورت عدم تکیه افراد به یکدیگر در جامعه و عدم توجه به شئون زندگی اجتماعی، سعادت حقیقی بشر حاصل نخواهد شد. یعنی التزام به تقوا در آیه به معنای رعایت صبر فردی در درجه اول، سفارش دیگران به صبر و تجمیع قوای اجتماعی در شدائد و سختی‌ها در درجه دوم، و در نهایت تجمیع قوای انسانی و بشری در جمیع شئون زندگی برای دستیابی به سعادت حقیقی است. این در حالی است که چنین استنباطی بر پایه بیان باب مفاعله بر معنای مشارکت باشد؛ در حالی که چنین استنباطی را نمی‌توان به سادگی در مورد رابطه بدون در نظر گرفتن دیگر معانی آن پذیرفت.

### ۳. استعمال ماده «ربط» در دیگر آیات قرآن

غیر از آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، در ۴ آیه دیگر قرآن مشتقات واژه ربط شامل **لیربط**، **ربطنا** و **رباط الخیل** آمده که بررسی نظر طباطبایی و ابن عاشور درباره آن می‌تواند به فهم بهتر تفسیر «رابطوا» کمک نماید. این آیات عبارت‌اند از:

#### ۱-۳) رباط الخیل

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَأَتَنَفَّقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفًا إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ (انفال/ ۶۰).

ترجمه: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداش آن به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

ابن عاشور معتقد است که عطف **رباط الخیل** بر **قوه** عطف خاص بر عام است؛ یعنی ابتدا

در آیه شریفه به صورت عام به افزایش قدرت مسلمین دستور می دهد و سپس به صورت خاص، بستن و محکم کردن جایگاه اسبان را مطرح کرده است و این نشان دهنده اهتمام آیه نسبت به این موضوع است. هم چنین **رباط** صیغه مفاعله و دال بر مبالغه و محکم بستن دوچندان اسبان برای مبارزه و جهاد است؛ یعنی اسبها را حفظ کرده و محکم ببندید. هم چنین «ربط الفرس» در جایی کاربرد دارد که اسبها را در مکانی حفظ کرده و آنها را ببندند و برای همین نیز به مکان بستن اسبها «رباط» می گویند؛ زیرا جنگجویان شکافها و مرزهای کشور اسلامی را از هجوم سوارانی که بر اسبهای خویش به سمت مسلمین یورش می برند، حفظ و حراست می کنند. او سپس به حدیثی از پیامبر در بیان ارزش جهاد در راه خدا و بستن اسبها در این راه اشاره می کند که فرمودند: «من ارتبط فرسا فی سبیل الله کان روثها و بولها حسنات له» (ابن عاشور، *التحریر و التئویر*، ۱۱/۵۶).

گرچه استنباط ابن عاشور از **رباط الخیل** به معنای محکم بستن اسبها، استنباطی صحیح است؛ زیرا در جنگ گروهی پیروز خواهد شد که ادوات رزمی و سازوبرگ نظامی خویش را به خوبی فراهم آورده و آن را در نقاط حساس پیاده کرده و از خلل و نقص و ضربه ناگهانی دشمن در امان بدارد؛ اما به این نکته مهم باید توجه داشت که دستور آیه مبنی استحکام ادوات نظامی از قبیل اسبهای جنگی فقط به این مورد محدود نمی شود و جنگجویان باید از نظر فکری و عقیدتی نیز هیچ راه رسوخ و نفوذ افکار الحادی و مخرب دشمن را باقی نگذارند؛ زیرا در کنار قدرت نظامی، آنچه در میدان مبارزه سرنوشت ساز است؛ قدرت روحی و روانی رزمندگان و اعتقاد محکم برای حفظ منافع فردی و ملی است.

### ۲-۳) لیربیط و ربطننا

إِذْ يَغْشَىٰ كُمُ التُّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ وَ يَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيَطَهَّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَ يَبَيِّنَ لَكُمْ بِهِ الْأَقْدَامَ» (انفال/۱۱).

ترجمه: [به یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فروریخت تا شمارا با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دل هایتان را محکم سازد و گام هایتان را بدان استوار دارد.

ابن عاشور در ذیل آیه می گوید:

در حقیقت ربط محکم کردن پیوند چیزی است و آن کنایه از ثبات و آرامش و از بین رفتن اضطراب و تشویش است و از این جهت است که مثلاً می‌گویند: «فلان جاش الربط: فلانی آرامش و خونسردی دارد» و حرف جر «علی» کنایه از تمکن و قوت آرامش و ثبات دارد (ابن عاشور، *التحریر و التنویر*، ۱۰ / ۲۸۰).

او در ذیل آیه و در توضیح عبارت «لیربط علی قلوبکم» ثبات و عدم تزلزل قلوب مؤمنین را به معنای ایمان قلبی ایشان و بر اساس شأن نزول آیه، اطمینان از وجود آب و عدم ترس ایشان از عطش قلمداد کرده است (همان‌جا).

طباطبایی «لیربط علی قلوبکم» را کنایه از تشجیع قلوب مؤمنین و فرستادن باران بر جنگجویان مؤمن را باعث استواری و ثبات قدم و مستحکم ساختن قلوب ایشان می‌داند (طباطبایی، *المیزان*، ۹ / ۲۴). در این آیه نیز از نظر قرآن، قوت و قدرت روحی و اطمینان قلبی جنگجویان، عاملی اساسی در پیروزی و ثبات قدم در مصاف با تحرکات نظامی دشمن و تبلیغات سوء وی بر علیه مسلمین دانسته شده است. این عامل؛ یعنی آرامش و ثبات و استحکام قلب نیز خود نقشی اساسی در رویارویی با دشمن و پیروزی بر وی دارد.

تعبیر رَبَطْنَا هم در دو آیه به کار رفته، یکی از آن دو در سوره کهف است:

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُو مِنْ دُونِهِ  
إِلَّهَا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا» (کهف/۱۴).

ترجمه: و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت بی‌شک غیر صحیح گفته‌ایم.

ابن عاشور در ذیل آیه در توضیح «و ربطنا» می‌گوید: «ربط بر قلب کنایه از تثبیت ایمان در قلب و عدم شک و تردید آن است. پس هرگاه اطلاق قلب بر محل قرار گرفتن ایمان و اعتقاد شایع باشد، ربط قلب کنایه از ثبات قلب و محکم کردن آن است» (ابن عاشور، *التحریر و التنویر*، ۱۶ / ۲۷۲). از سویی متعدی کردن «ربطنا» با حرف «علی» برای مبالغه در محکم کردن است و معنی آن استحکام و تمکن است. عبارت «اذ قاموا» ظرف برای فعل «ربطنا» است؛ یعنی در وقت قیام برای حق خداوند قلوبشان را محکم و استوار نمود و بر این اساس در هنگام خطور فکر جهاد و قیام در راه خدا قلوبشان نیز محکم و باثبات گردید (همان‌جا). طباطبایی در ذیل آیه در ارتباط با ماده «ربط» آن را به معنای محکم بستن و کنایه از سلب

اضطراب و قلق از قلوب اصحاب کهف می‌داند (طباطبایی، المیزان، ۱۳ / ۳۴۸). محکم کردن قلوب اصحاب کهف در آیه مذکور، پس از بیاخاستن در راه خدا و ابراز عقیده صحیح مبنی بر توحید الهی مطرح شده است. این بدان معنا است که قلوب ایشان در کنار یکدیگر و همراه باهم برای رسیدن به هدفی الهی و غایتی مطلوب محکم و استوار گردیده و راه خلل و نفوذ افکار شیطانی و گمراه‌کننده بر آن بسته شده است.

در سوره قصص نیز می‌توان یک نمونه دیگر از کاربرد تعبیر **رَبَطْنَا** را دید:

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (قصص / ۱۰).

ترجمه: و دل مادر موسی [از هر چیز، جز از فکر فرزند] تهی گشت. اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان‌آوردگان باشد، چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند.

ابن عاشور در ذیل این آیه دو احتمال را درباره علت تهی شدن دل مادر حضرت موسی علیه السلام بررسی کرده است. احتمال اول مربوط به ثبات و آرامش مادر موسی و احتمال دوم نیز درباره حالت شک و ضعف در دل اوست. در احتمال اول قلب او فارغ از خوف و حزن شد و بر اساس الهامی که خداوند به او کرد، نسبت به عاقبت افکندن موسی به آب، اطمینان و ثبات پیدا کرد و این آیه به ثنا و ستایش ثبات و اطمینان مادر موسی می‌پردازد. وی این احتمال را بیش تر می‌پسندد؛ زیرا در ادامه آیه می‌فرماید: «لتكون من المؤمنين» و این قسمت آیه کنایه از ستایش مادر موسی دارد و محکم کردن (ربط) دل مادر موسی از نتایج الهام خداوند است که به او فرمود نترس و نگران مباش (ابن عاشور، *التحریر و التئویر*، ۲۱ / ۸۰). طباطبایی **ربطنا** را از **ربط** و آن را به معنای بستن چیزی و **ربط** را در آیه کنایه از اطمینان دادن به قلب مادر موسی می‌داند (طباطبایی، المیزان، ۱۶ / ۱۳).

## نتیجه

از آنجاکه تنها موضعی در آیات که فعل **رابطوا** آمده در آیه ۲۰۰ بوده و در این آیه نیز هیچ قیدی همراه آن مطرح نشده تا بتوان مراد حقیقی از آن را استنباط کرد؛ بنابراین تفسیر طباطبایی مبنی بر ارتباط اجتماعی افراد در تمامی شئون زندگی و هم‌چنین دیدگاه ابن عاشور مبنی بر محکم کردن مرزهای اسلامی قابل‌پذیرش نیست؛ چراکه به نظر می‌رسد استنباط هر دو مفسر

بر اساس توجه به معنای غالب باب مفاعله در رابطوا یعنی مشارکت بوده و دیگر معانی از نظر دورمانده است. بر فرض که استنباط مفسران یادشده بر معنای مشارکت برای مفاعله نبوده و ایشان به تمامی معانی باب مفاعله توجه کرده‌اند، باز این مسئله نیز نمی‌تواند دلیلی بر درستی تفاسیر یادشده باشد؛ زیرا آن‌چنان‌که گفته شد چون لفظ آیه مطلق بیان شده است مقید کردن الفاظ به معنایی خاص؛ همچون ارتباط افراد در تمامی شئون و یا مرزداری اسلامی از حد تعیین مصداق فراتر نبوده و نمی‌توان به‌عنوان تفسیر واژه به آن نظر کرد.

دیگر مصادیق رابطوا که در روایات یادشده به آن اشاره شده؛ همچون انتظار نماز و رفت‌وآمد به مساجد و هم‌چنین ارتباط با امام نیز گرچه بر مبنای معانی باب مفاعله صحیح است؛ اما باز می‌توان آن‌ها را به‌عنوان تعیین مصادیق واژه در نظر گرفت. با در نظر گرفتن ریشه‌های ربط در آیات دیگر قرآن باید گفت اگر استدلال ابن‌عاشور برای معنای مرابطه در آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران به آیه ۶۰ سوره انفال و تلقی بستن مرزها از **رباط‌الخیل** باشد، این مسئله‌ای است که نمی‌توان برای آن دلیل قابل‌قبولی ارائه نمود؛ چون در آیه ۲۰۰ آل‌عمران هیچ قرینه‌ای برای این معنا ذکر نشده و چنان‌که مطرح شد الفاظ آیه به شکل مطلق و بدون قید آمده است.

آیات دوم تا چهارم نیز از واژه‌های «لیربط» و «ربطنا» تشکیل شده که از ریشه «ربط» و آن‌چنان‌که در آیات بررسی شد، همگی مرتبط با قلب آدمی است. این مطلب از اضافه قلب به ترکیب مذکور استنباط می‌شود. این تلقی؛ یعنی استحکام قلوب در مورد آیات دوم تا چهارم صحیح است و دلیل آن ذکر شد، در حالی که **رابطوا** در آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران هیچ اضافه‌ای ندارد که بتوان استنباط ابن‌عاشور را از معانی مطرح‌شده قابل‌قبول دانست. از طرفی تفسیر طباطبایی نیز به همین ایرادهای ذکرشده گرفتار آمده و نمی‌توان دلیل صحیحی برای آن اقامه نمود.

بررسی روابط هم‌نشینی واژگان و اطلاق افعال **اصبروا، صابروا و رابطوا** در آیه ۲۰۰ آل‌عمران، مؤید این معنا است که افعال مذکور باید به‌صورت مطلق معنا شود و تفاسیر یادشده را باید به‌عنوان مصادیق رابطوا نگریم. نیز، بر اساس این‌که هر سه فعل با واو عطف به یکدیگر وصل شده می‌توان معنایی در راستای افعال قبلی برای **رابطوا** در نظر گرفت؛ بنابراین چنانچه در آیه به صبر فردی و صبر اجتماعی دستور داده است، با عنایت به معنای لغوی و هم‌چنین معانی باب مفاعله و در نظر داشتن اطلاق آن، رابطوا به معنای مشارکت مداوم افراد

جامعه همراه با ایستادگی محکم و قوی در راه رسیدن به حق است؛ چراکه در آخر آیه فرمود:  
**لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ**؛ و استفاده از تعبیر **امید است** نشان‌دهنده این معنا است که شاید بتوانید در  
مسیر حق چنین ایستادگی کنید.

## منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن عاشور، محمدبن طاهر، *التحریر و التنویر*، تونس، الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴م.
- ۳- ابن فارس، احمد، *معجم مقائیس اللغة*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- ۴- خانجانی، علی اوسط، «بررسی معانی کاربردی افعال مزید در قرآن»، *فصل‌نامه زبان و ادبیات عرب*، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷ش.
- ۵- بخاری، محمدبن اسماعیل، *الصحيح*، به کوشش مصطفی دیب بُغا، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
- ۷- دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحديث*، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، کتاب‌خانه مرتضوی، ۱۳۸۳ق.
- ۹- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۱۰- سید قطب، ابراهیم بن حسین، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۳۸۵ق.
- ۱۱- شاکریان، حمیدرضا، *چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ش.
- ۱۲- صابونی، محمد علی، *صفوة التفاسیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
- ۱۳- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ش.
- ۱۴- طباطبایی، محمدرضا، *صرف ساده*، قم، دارالعلم، ۱۳۷۳ش.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران، فراهانی، ۱۳۵۰ش.
- ۱۶- فیومی، احمدبن محمد بن علی، *المصباح المنیر*، بیروت، المكتبة العلمیه.
- ۱۷- قرشی، سیدعلی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- ۱۸- مالک بن انس، *الموطأ*، ابوظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۵ق.

## Bibliography

- 1\_ The Holy *Qur'an*.
- 2\_ Ibn 'Ashūr, Muḥammad b. Ṭāhir, *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*, Beirut, Arabic History Foundation, 1420 AH [Arabic].
- 3\_ Ibn Fāris, Aḥmad, *Maqāyīs al-Luġba*, Qom, Maktab al-'Ilām al-Islāmī, 1404 AH [Arabic].
- 4\_ Khānjānī, 'Alī Awsaṭ, "A Study on the Practical Meanings of Augmented Verbs in the Holy *Qur'an*", *Journal of Arabic Language and Literature*, vol. 18, 1397 SAH [Persian].
- 5\_ Al-Bukhārī, Muḥammad b. Ismā'īl, *Al-Jāmi' al-Ṣaḥīḥ*, ed. Muṣṭafā Dīb al-Bughā, Damascus, Dār Ibn Kathīr, 1414 AH [Arabic].
- 6\_ Jawādī Āmolī, 'Abollāh, *Tasnīm*, Qom, Isrā' Foundation, 1378 SAH [Persian].
- 7\_ Darwaza, Muḥammad 'Izza, *Al-Tafsīr al-Ḥadīth*, Beirut, Dār al-Gharb al-Islāmī, 1421 AH [Arabic].
- 8\_ Al-Rāghib al-Isfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Al-Mufradāt fi Gharīb 'Alfāz al-Qur'an*, Beirut, Al-Dār al-Shāmīyya, 1383 AH [Arabic].
- 9\_ Al-Zamakhsharī, Maḥmūd b. 'Umar, *Al-Kashshaf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1407 AH [Arabic].
- 10\_ Sayyid Quṭb, Ibrāhīm Ḥusayn, *Fī Zīlāl al-Qur'an*, Damascus, Dār al-Shurūq, 1425 AH [Arabic].
- 11\_ Shākerīyān, Ḥamīdreza, *Why Religion? Why Islam? Why Shi'a?*, Qom, Daftar-e Nashr-e Ma'āref, 1390 SAH [Persian].
- 12\_ Al-Ṣābūnī, Muḥammad 'Alī, *Ṣafwa al-Tafāsīr*, Beirut, Dār al-Fikr, 1421 AH [Arabic].
- 13\_ Ṭabāṭabāyī, Moḥammad Ḥosayn, *Al-Mizān*, tr. Moḥammad Bāqer Mūsavī Hamedānī, Qom, Jamā'a al-Mudarrisīn, 1390 SAH [Persian].
- 14\_ Ṭabāṭabāyī, Moḥammadreza, *Sharf-e Sāde*, Qom, Dār al-'Ilm, 1373 SAH [Arabic].
- 15\_ Al-Ṭabraṣī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' al-Bayān fi Tafsīr al-Qur'an*, Tehran, Nāsher Khosrow Publishing House, 1350 SAH [Arabic].
- 16\_ Al-Fayyūmī, Aḥmad b. Muḥammad, *Al-Miṣbāḥ al-Munīr fi Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr*, Beirut, Al-Maktaba Al-'Ilmīyya, 1405 AH [Arabic].

- 17- Qorashī, Sayyed ‘Alī Akbar, *Qāmūs-e Qor’ān*, Tehran, Dār al-Kutub Al-Islāmīyya, 1371 SAH [Persian].
- 18- Mālik b. Anas, *Al-Muwatta’*, Abu Dhabi, Al-Majma‘ al-Thiqāfī, 1425 AH [Arabic].